

# روسیه و ترکیه با توافق بر سر ادلب مسیر تازه‌ای گشودند



سجاد موسوی رافعی

روزنامه دلیلی صباح گزارش داد چنانچه روسیه و ترکیه بتوانند توافق ادلب را به سرانجام برسانند، همکاری آنها در سوریه به این معنی خواهد بود که این دو کشور از آستانه استراتژیک عبور کرده‌اند. توافق ادلب که در واقع زاییده افکار رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه است مورد استقبال دولت‌های سراسر جهان قرار گرفته است. پیش از این توافق، هیچکس انتظار نداشت که نیروهای دولت سوریه با حمایت روسیه حملات قریب‌الوقوع خود به ادلب را متوقف کنند. این توافق از بروز یک فاجعه انسانی و احتمالاً موج جدیدی از مهاجرت‌ها جلوگیری کرد. در همین حال، رسیدن به این توافق برای ترکیه یک پیروزی

دیپلماتیک تلقی می‌شود. هیجان دستیابی به توافق خیلی زود فروکش کرد و سؤال‌هایی مطرح شد از قبیل اینکه منافع چه کسانی در این توافق بیشتر رعایت شده است یا اینکه آتش بس چه مدت ادامه خواهد یافت؟ برخی از ناظران هشدار می‌دهند که گروه‌های تندرویی نظیر هیئت تحریر الشام (HTS)، که بر اساس توافق حاصله باید تا تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸ (۲۳ مهر ۱۳۹۷) خلع سلاح شوند، در مقابل هر گونه تلاش در این زمینه مقابله خواهند کرد. در واقع، سخنگوی گروه HTS هم اکنون اعلام کرده است که هر کسی که سلاح خود را زمین بگذارد «خان» به اسلام خواهد بود. هنوز کارشناسان در تعجب هستند که چرا پوتین اساساً پیشنهاد اردوغان را پذیرفت. یک پاسخ سریع به این پرسش می‌تواند این باشد که رئیس جمهوری روسیه قصد داشت

روابط خود با ترکیه را مستحکم‌تر کند و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تضعیف کند. بدون شک، نخستین کسانی که از توافق ادلب سود می‌برند کشورهای ترکیه و روسیه هستند. با این توافق ترکیه اطمینان یافت که مخالفان میانه‌رو می‌توانند در تنها منطقه محدود شده در نتیجه توافق آستانه، باقی بمانند. علاوه بر این، از هجوم مهاجران که بسیار محتمل بود جلوگیری شد و نیز اینکه آنکارا فرصت را از تهران و دمشق برای از میان برداشتن رقبایشان در سوریه، روسیه نیز در جای خود همکاری‌های خود با ترکیه را افزایش داد و راهی برای کاهش فشارهای روهه افزایش بین‌المللی پیدا کرد، و از همه مهمتر اینکه از یک عمل انجام شده جلوگیری کرده، آمریکا ادعا کرده بود که روسیه از سلاح‌های شیمیایی در ادلب استفاده می‌کند.

نگاه دارد و اثر حضور ایران در سوریه را متعادل سازد. در این رابطه، نقطه قابل ملاحظه اینجاست که ایران و رژیم بشار الاسد در میز مذاکره این توافق جایگاهی نداشتند، چرا که مسکو هر کاری که لازم بود انجام داد تا صدای تهران و دمشق بلند نشود. بر کسی پوشیده نیست که روسیه، قدرتمندترین نیروی نظامی حاضر در سوریه، به دنبال راهی بوده است که ایران و رژیم صهیونیستی را همیشه و به طور همزمان در گوشه نظر داشته باشد. اما حادثه اخیر که برای یک فروند جنگنده روسی پیش آمد نشان داد که این استراتژی روس‌ها چقدر خطرناک بوده است. در ادامه، مسکو خواهد فهمید که تحت کنترل داشتن همه چیز چقدر دشوارتر می‌شود و به همین دلیل است که همکاری با ترکیه بسیار حیاتی است.

ممکن است برخی ادعا کنند که توافق ادلب جایگاه تهران را تضعیف کرد و در مذاکره با ترکیه مواضع آنها را پائین آورد. بر خلاف تلاش‌های واشنگتن برای وارد کردن ایران به گفتگوها، تهران هیچگونه تلاشی برای همکاری نزدیکتر با آنکارا انجام نداد. در عوض ایران بازی‌های ساده‌ای را انجام داد مانند انتشار ناگهانی اخبار دیدارهای محرمانه. این حقه در نهایت مورد استفاده رئیس جمهوری ترکیه قرار گرفت، یعنی کسی که تعهد مصالحه ناپذیرش به نجات ادلب مورد توجه جهانیان قرار گرفت.

ایرانی‌ها می‌خواهند یک توافق سر بسته با ترکیه انجام دهند که شامل موضوعات منطقه‌ای از قبیل مسائل سوریه و عراق، مبارزه علیه تروریست‌های PKK و تحریم‌های آمریکا می‌شود. در این زمینه، توافق ادلب منافع ایران را نادیده گرفت،

## کارشناسان در تعجب هستند که چرا پوتین اساساً پیشنهاد اردوغان را پذیرفت. یک پاسخ سریع به این پرسش می‌تواند این باشد که رئیس جمهوری روسیه قصد داشت روابط خود با ترکیه را مستحکم‌تر و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تضعیف کند

همینطور که منافع مخالفان میانه‌رو در سوریه را در نظر نگرفت. نکته قابل توجه در مورد این توافق اجرای مفاد آن است. توافق ادلب برای آینده چشم‌گیر و حائز اهمیت است. اگر روسیه و ترکیه بتوانند این توافق را به انجام برسانند، همکاری‌هایشان در سوریه از آستانه استراتژیک دو کشور فراتر می‌رود. اجرای این توافق موجب می‌شود که گروه‌های مخالفان مورد حمایت ترکیه در سوریه ذینفعان قانونی جنگ داخلی این کشور باقی بمانند و مناقشه را وارد مرحله جدیدی بکنند. علاوه بر اینکه مسکو و آنکار موفق شدند اختلاف نظرهای خود را مدیریت کنند، توانستند در مورد شاخه سازمان تروریستی PKK در سوریه، یگان‌های مدافع خلق (YPG) در شمال سوریه و محدود کردن شبه نظامیان شیعه با یکدیگر همکاری کنند. نمی‌شود باور کرد که اردوغان و پوتین بر سر ادلب به توافق رسیده باشند ولی در مورد توازن قدرت پس از توافق در سوریه گفتگو نکرده باشند. به هر روی این دو رهبر در آستانه عبور از مرزهای جدید همکاری هستند.



## عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا: اروپا موضع آمریکادر قبال برجام رانمی‌پذیرد

عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا تغییر دستور نشست چهارم مهرماه شورای امنیت را نگرانی از رویارویی این کشور با متحدان نزدیک خود دانست و گفت که اروپایی‌ها موضع آمریکادر قبال برجام رانمی‌پذیرند.

گری سیک روز شنبه (۳۱ شهریور ۱۳۹۷) در گفت‌وگوی با خبرگزاری ایرنا درباره تغییر موضوع این نشست که به ریاست دونالد ترامپ برگزار می‌شود، گفت: به هیچ وجه روشن نیست که رئیس جمهوری می‌خواهد در شورای امنیت چه بگوید و چه کار کند. وی افزود: نخست آنها گفته بودند که موضوع این نشست، ایران خواهد بود، اما پس از چندی دستور جلسه را به موضوع خلع سلاح تغییر دادند. هدف هم این بود که موضوع فرآیندی را به میان بکشند تا کار به رویارویی میان ایالات متحده با متحدان نزدیکش در شورای امنیت نرسد. این مقام پیشین شورای امنیت ملی آمریکا ادامه داد: این هم به این دلیل است که اروپایی‌ها موضع آمریکادر قبال برجام رانمی‌پذیرند. از طرفی دیگر، ترامپ در توئیترش نام ایران را آورده است، برای همین روشن نیست که چه چیزی در این جلسه قرار است رخ دهد. هر چند در این دولت، چنین کارهایی مرتب تکرار شده و عادی است. سیک اضافه کرد: اگر واقعاً جلسه درباره ایران باشد، نشست قبلی قابل توجه خواهد بود. به ویژه اینکه ایران در این جلسه حضور خواهد یافت و در کنار آن کشورهای دیگری خواهند بود که به دلیل برجام، در جبهه مخالف ایالات متحده هستند. وی خاطر نشان کرد: این احتمال قوی وجود دارد که نشست شورای امنیت برای ترامپ نتیجه عکس داشته باشد و همه اعضای این شورای در کنار برجام و علیه ایالات متحده متفق شوند. باید دید در این نشست چه رخ خواهد داد. عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا سفر بیس جمهوری ایران را به نیویورک، جلوه مهمی از دیپلماسی عمومی ایران برای مقابله با سیاست‌های یکجانبه گرایانه دولت ترامپ دانست و گفت: سفر روحانی از یکسو برای داخل ایران و پایگاه وی در داخل کشور اهمیت دارد و از سوی دیگر، این سفر در راستای تلاش کلیدی برای دریافت پشتیبانی از روسیه، چین و اروپایی‌هاست. این تلاش در جریان این سفر در قالبی عمومی تر و علنی تر جلوه خواهد یافت. این استاد دانشگاه کلمبیا درباره ریاست ترامپ بر شورای امنیت به عنوان کسی که مبنای بین‌المللی را زیر پا گذاشته و با خروج از برجام قطعنامه شورای امنیت را هم نقض کرده است، پاسخ داد: واقعیت این است که ایالات متحده به صورت یکجانبه از برجام خارج شده است بدون اینکه دلیلی برای نقض این توافق از سوی ایران ارائه داده باشند اما منطق نهفته در پس تصمیم کاخ سفید برای صحبت کردن درباره ایران در شورای امنیت این است که قدرت، حق ایجاد می‌کند. به همین سادگی وی ادامه داد: دولت ترامپ می‌خواهد ایران را وادار کند که به خواسته‌هایش عمل کند. ممکن است بگوئید که استدلال‌های آن دقیق نیست یا اینکه اساساً این کار منصفانه نیست. اما این واقعیت است که دولت آمریکا بدون پشتیبانی بین‌المللی به این راه ادامه می‌دهد و اساساً آخر این داستان را به سختی می‌توان پیش بینی کرد. این مقام پیشین کاخ سفید با اشاره به تمایل دولت آمریکا برای امضای یک پیمان با ایران که علاوه بر موضوع هسته‌ای، موضوعات منطقه‌ای و برنامه دفاع موشکی کشورمان را هم در برگیرد گفت احتمال تحقق آن بسیار اندک است. سیک تصریح کرد: به نظر من پیمانی که همه موضوعات را در برگیرد، شانس کمی دارد. از طرف دیگر، ترامپ و اطرافیان وی، یک جنگ اقتصادی علیه ایران اعلام کرده‌اند. آنها بر این باورند که با این فشارها، ایران به پای میز مذاکره خواهد آمد. تادار به همه موضوعات صحبت کند و وی خاطر نشان کرد: تردیدی نیست که ایالات متحده می‌تواند فشار سهمگینی به ایران وارد کند و ایران هم خود را برای آن آماده کرده است اما به سختی می‌توان تصور کنم که خروجی آن در این مرحله یک پیمان همه جانبه باشد. استاد دانشگاه کلمبیا تأکید کرد: من طرفدار گفت‌وگو میان ایالات متحده و ایران هستم، اما این روش و رویکرد برای نشست بر سر میز مذاکره عجیب و غیر معمول است.

## خبر

### حیدر العبادی قدرت را از کف می‌دهد

## احتمال تغییرات اندک در دولت عراق

### شواهد فرجام

روزنامه ایندیپندنت گزارش داد که برای حیدر العبادی، نخست وزیر عراق، تنها یک راه چاره باقی مانده است؛ استعفا. با وجود این تغییر، ساختار حکومت در عراق که طرفدار کیش و مات کردن‌های سیاسی است احتمالاً تغییر چندانی نخواهد کرد.

یک لطیفه عراقی می‌گوید: دولت این کشور باید پیش از هر کشور دیگری دوست‌دار محیط زیست بوده باشد چرا که همان رهبران همیشگی بازیافت می‌شوند و دوباره بر سر کار می‌آیند، بدون توجه به عملکرد ضعیف گذشته‌شان، و اینکه هر بار انتظارات از آنها برای بهبود عملکرد کاهش می‌یابد.

بزرگترین تغییر در دولت آینده عراق این خواهد بود که حیدر العبادی که پس از پیروزی‌های داعش در سال ۲۰۱۴ بر سر کار گذاشته شد، دیگر هدایت دولت را بر عهده نخواهد داشت. العبادی خود تصدیق کرده است که تا پایان دوره نخست وزیری خود دوام نخواهد آورد. این مهم پس از آن رخ داد که موج تظاهرات در بصره در جنوب عراق موجب قطع حمایت‌های رهبران سیاسی و مذهبی مهمی از العبادی شد، کسانی که در نهایت خواهان استعفای نخست وزیر شدند. سر نوشت آقای العبادی پس از نتایج دور از انتظار انتخابات اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ که در آن حزب حیدر العبادی سوم شد، دچار تلاطم شده است. جایگاه وی در این انتخابات تضعیف شد اما برای تقویت می‌توانست کسانی را که نتایج بهتری کسب کرده بودند مانند مقتدی الصدر به خود نزدیک کند، اما حیدر العبادی در نهایت موفق به این کار نشد.

گرچه حیدر العبادی نخست وزیر آینده کشور نخواهد بود، اما بیشتر بازیگران سیاسی سطح بالای عراق نیز همانند وی هستند. بیشتر مردم عراق رهبران خود را به خاطر شیوه حکومت نامطلوبشان طی ۱۵ ساله که از سرنگونی صدام حسین می‌گذرد، سرزنش می‌کنند. ساختار حکومت در عراق سهمیه‌بندی شده است به این

معنی که مناصب سطح بالا میان شیعیان، اهل تسنن، و کردها قسمت می‌شود، و وزارتخانه‌ها میان احزاب تقسیم می‌شود. این ساختار موجب شده است که بین بست‌های دائمی سیاسی بوجود بیاید و در مقابل به فساد گسترده اداری و تامین خدمات اولیه شهروندان مثل آب و برق ناتوان باشد.

العبادی امیدوار بود که با شکست داعش و بازپس‌گیری موصل پس از نه ماه محاصره، نظر رای دهندگان را به خود جلب کند. نیروهای مسلح عراق پیروزی در موصل را با بازپس‌گیری کرکوک و مناطق مورد مناقشه کردنشین در شمال عراق تکمیل کردند.

امنیت در عراق پس از شکست داعش بسیار بیشتر شده است بطوری که در شش ماه گذشته به بالاترین سطح خود پس از سال ۲۰۰۳ میلادی رسید. اما شهروندان عراق به العبادی به عنوان تنها معمار پیروزی‌های نظامی نگاه نمی‌کنند و حضور کمتر از ۴۵ درصدی پی صندوق‌های رای این کشور نشان از سرخوردگی مردم عراق از نتایج سیاسی عراق دارد.

مقتدی الصدر و گروه سائرون موفق شد بیشترین تعداد کرسی‌های مجلس را در انتخابات از آن خود کند. شعار این گروه سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی روهه جلو بود. پس از این گروه، اتحاد فتح به رهبری هادی الامیری که یک شبه نظامی است توانست بیشترین نمایندگان را روانه مجلس عراق کند. در این میان الامیری از تصاحب پست نخست وزیری عراق انصراف داد.

العبادی که به شدت توسط آمریکا حمایت می‌شد، اگر توانسته بود حمایت گروه‌های وابسته به الصدر را به دست آورد، می‌توانست جایگاه خود را حفظ کند. اما طرفداران الصدر احساس کردند که حمایت آنها پیش از این برای العبادی تضمین شده بود، بنابراین از العبادی خواستند که استعفا دهد و برنامه اصلاح طلبانه آنها را بپذیرد. سایر رهبران سیاسی نیز آقای العبادی را متهم کردند که به ندرت با آنها مشورت می‌کند و اطراف خود را با مشاوران اندکی پر کرده است. گرچه بازیگران اصلی سیاسی عراق همگی مانند هم



از مردم بصره شد. این ماجرا خشم مردم را بیش از پیش برانگیخت. بیمارستان‌ها خبر از درمان نزدیک به ۱۷ هزار و ۵۰۰ تن را دادند، آماری که دولت نپذیرفت و موجب خشم بیشتر مردم بصره شد. تظاهرات آرام، به خشونت کشیده شد بطوریکه دفاتر سیاسی به جز دفتر حزب سائرون به آتش کشیده شد و کنسولگری ایران آتش زده شد. در این درگیری‌ها ۲۷ تن جان باختند. العبادی به بصره رفت اما نتوانست در این بحران کاری از پیش ببرد. مقتدی الصدر حمایت خود را از العبادی دریغ کرد و خواهان استعفای وی شد. در همین حال، آیت‌الله سیستانی نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که باید نخست وزیر جدیدی انتخاب کرد.

در نهایت احزاب عراق نخست وزیر جدیدی را بر می‌گزینند و دولت یکپارچه‌ای تشکیل می‌دهند، دولتی که همه بازیگران بزرگ در آن سهم خواهند داشت. اما بعید به نظر می‌رسد که دولت جدید کار آبی بیش از دولت‌های پیشین عراق داشته باشد.

هستند اما شرایط سیاسی این کشور اخیراً دچار تغییرات شدید شده است. هنگامی که العبادی به نخست وزیری رسید، داعش به سمت بغداد در حرکت بود و مردم بیم کشتار گسترده و مهاجرت‌های طولانی را داشتند. اما شکست داعش موجب کاهش نگرانی‌های امنیتی، و افزایش نارضایتی‌ها از فساد و ناتوانی دولت شد، در حالیکه درآمد دولت از فروش نفت در ماه اگوست ۲۰۱۸ میلادی به ۷،۷ میلیارد دلار رسیده بود. تظاهرات بصره، منطقه‌ای نفت خیز در جنوب عراق، گسترده‌ترین و مخرب‌ترین ناآرامی‌های این کشور از زمان سرنگونی صدام تا کنون بوده است. طی تابستان امسال که درجه حرارت عراق به ۵۰ درجه سانتیگراد رسید که با استانداردهای گرمای عراق، باز هم هوا بسیار گرم محسوب می‌شد، قطع گسترده برق و کمبود آب آشامیدنی موجب نارضایتی مردم شد. نه تنها آب آشامیدنی در این مدت کم بود، بلکه همان مقدار آب نیز موجب اسهال و بیماری‌های شکمی بسیاری